



A Policy Framework for Promoting Financial Literacy in Iran

Ahmad Jahangir Feizabadi 

MSc., Department of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadeq University, Tehran, Iran. E-mail: a.jahangir89@gmail.com

Abstract

Objective

Financial literacy is widely recognized as a crucial life skill, with individuals in developed countries expected to attain a desirable level of financial competence. This significance is reflected in the fact that more than 60 countries have developed national policies and strategies to promote financial literacy, incorporating specific programs into their agendas. Iran is no exception. Enhancing financial literacy is particularly important given the country's distinct economic, social, political, and cultural conditions. Improving individuals' financial awareness, knowledge, and skills reduces financial errors, strengthens sound financial decision-making, boosts confidence, and aids in achieving financial security and well-being. Furthermore, it can contribute to macroeconomic and social improvements, ensure economic stability, and foster greater public alignment with financial and economic policies. Therefore, it is essential to integrate this issue into the agendas of higher-level policymaking institutions and develop policies to promote financial literacy that are tailored to Iran's unique Islamic-Iranian culture.

Methods

This study was conducted by collecting policy documents and national strategies from other countries, as well as through semi-structured interviews with experts, specialists, and scholars in financial management, financial literacy, and policymaking. It employs qualitative thematic analysis to explore the main question: What policy framework is needed to promote financial literacy in Iran?

Citation: Jahangir Feizabadi, Ahmad (2025). A Policy Framework for Promoting Financial Literacy in Iran. *Financial Research Journal*, 27(1), 114-139
<https://doi.org/10.22059/FRJ.2024.379352.1007623> (in Persian)



Results

Research findings reveal that the policy framework for enhancing financial literacy in Iran can be structured around four primary themes, each comprising several subthemes. The domains include: 1. Policy prerequisites (including legal, financial, executive, and cultural prerequisites); 2. Policy objectives (including educational, economic, and socio-political goals); 3. Policy requirements (including content development, audience analysis, expert cultivation, and evaluation measures); and 4. Policy tools (including traditional, classic, innovative, and supportive-motivational mechanisms). This framework can serve as a blueprint for policymaking in the field of financial literacy enhancement in Iran.

Conclusion

Financial literacy enhancement programs in any country must be designed in accordance with the country's unique circumstances. Given Iran's unique context, the proposed framework—grounded in international models and domestic expert insights—may guide policymakers in developing effective, localized policies in this domain.

Keywords: Policy framework, Policy-making, Financial literacy, Financial policies.



چارچوب سیاستی برای ارتقای سواد مالی در ایران

احمد جهانگیر فیض آبادی

کارشناس ارشد، گروه معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. رایانامه: a.jahangir89@gmail.com

چکیده

هدف: در عصر حاضر، سواد مالی یکی از دانش‌ها و مهارت‌های ضروری زندگی شناخته می‌شود؛ به‌طوری که در کشورهای توسعه‌یافته جهان، هر فردی باید از سطح مطلوبی از سواد مالی برخوردار باشد. اهمیت این موضوع تا حدی است که تاکنون بیش از ۶۰ کشور جهان سیاست‌ها و استراتژی‌های ملی‌ای را برای ارتقای سواد مالی طراحی کرده‌اند و برنامه‌های مشخصی را در این راستا در دستور کار خود قرار داده‌اند. کشور ما نیز از این قاعده مستثنا نیست. ارتقای سواد مالی در ایران، به‌خاطر شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا افزایش آگاهی‌ها، دانش و مهارت‌های مالی در افراد، خطاهای مالی آنان را کاهش می‌دهد، تصمیم‌گیری‌های درست مالی را در آن‌ها تقویت می‌کند، به آنان احساس اعتمادبه‌نفس می‌دهد و در رسیدن به رفاه و امنیت مالی آن‌ها را یاری می‌کند. علاوه‌بر این‌ها می‌تواند برای بهبود وضعیت کلان اقتصادی و اجتماعی کشور نیز مفید باشد، ثبات اقتصادی جامعه را تضمین کند و افراد جامعه را بیشتر با سیاست‌های اقتصادی و مالی همراه کند. از این‌رو ضروری است که در حوزه سیاست‌گذاری‌های عمومی نیز، این موضوع در دستور کار نهادهای بالادستی قرار گیرد و سیاست‌های ارتقای سواد مالی احصا شود و بهترین و مطلوب‌ترین سیاست‌ها در این حوزه مبتنی بر فرهنگ بومی ایرانی - اسلامی ما تدوین شود.

روش: پژوهش حاضر که با جمع‌آوری اسناد سیاستی و استراتژی‌های ملی دیگر کشورها و نیز با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته با استادان، متخصصان و صاحب‌نظران مدیریت مالی، سواد مالی و سیاست‌گذاری اجرا و با شیوه تحلیل مضمون کیفی، تحلیل شده است، سعی دارد به این پرسش اصلی پاسخ دهد که چارچوب سیاستی برای ارتقای سواد مالی در ایران چیست؟

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های پژوهش، چارچوب سیاستی برای ارتقای سواد مالی در ایران را می‌توان بر اساس چهار حوزه اصلی پی‌ریزی کرد که هر یک از این حوزه‌ها، از چند حوزه فرعی تشکیل می‌شود. این حوزه‌ها عبارت‌اند از: ۱. پیش‌نیازهای سیاستی (شامل پیش‌نیازهای قانونی، مالی، اجرایی و فرهنگی)؛ ۲. اهداف سیاستی (شامل اهداف آموزشی، اقتصادی و سیاسی - اجتماعی)؛ ۳. الزامات سیاستی (شامل الزامات محتوایی، مخاطب‌شناسی، متخصص‌پروری و ارزیابی)؛ ۴. ابزارهای سیاستی (شامل ابزارهای سنتی و کلاسیک، نوین و حمایتی - تشویقی). این چارچوب می‌تواند به‌عنوان طرحی جامع برای سیاست‌گذاری در زمینه ارتقای سواد مالی در ایران استفاده شود.

نتیجه‌گیری: برنامه‌های ارتقای سواد مالی در هر کشوری باید متناسب با شرایط خاص آن کشور طراحی شود. با توجه به شرایط خاص ایران، چارچوبی را که این پژوهش بر اساس الگوهای بین‌المللی و نظرات خبرگان داخلی ارائه کرده است، می‌تواند راهنمای مناسبی برای سیاست‌گذاران در تدوین و اجرای سیاست‌های مؤثر بومی در این زمینه باشد.

کلیدواژه‌ها: چارچوب سیاستی، سیاست‌گذاری، سواد مالی، سیاست‌های مالی.

استناد: جهانگیر فیض آبادی، احمد (۱۴۰۴). چارچوب سیاستی برای ارتقای سواد مالی در ایران. *تحقیقات مالی*، ۲۷(۱)، ۱۱۴-۱۳۹.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

doi: <https://doi.org/10.22059/FRJ.2024.379352.1007623>

تحقیقات مالی، ۱۴۰۴، دوره ۲۷، شماره ۱، صص. ۱۱۴-۱۳۹

ناشر: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان

مقدمه

در چند دهه گذشته که بحران‌های مالی بزرگی^۱ در کشورهای مختلف دنیا اتفاق افتاد، مردم زیادی آسیب‌های جبران ناپذیری دیدند. بر اساس نظرسنجی‌های معتبر بین‌المللی ریشه این آسیب‌ها در عدم آگاهی‌ها و مهارت‌های آن‌ها در حوزه مالی بود (ژو و ضیا^۲، ۲۰۱۲). از این رو نهادهای بین‌المللی برای کاهش این آسیب‌ها به این فکر افتادند که با آموزش‌های مالی مناسب، آگاهی‌ها و مهارت‌های مالی افراد را ارتقا بخشند تا با تصمیم‌گیری‌های درست مالی در طول زندگی برای قرار گرفتن در موقعیت‌های حساس مانند بلایای طبیعی (سیل، زلزله)، جنگ، تورم‌های سنگین، بی‌کاری، کرونا، بانزستگی و...، آمادگی‌های لازم را برای گذران زندگی پیدا کنند و به رفاه^۳ و امنیت مالی^۴ برسند. سواد مالی اصطلاحی است که بدین منظور مطرح شد و درک مفاهیم آن برای افراد اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد.

از سوی دیگر با کمبود منابع اقتصادی در برخی از کشورها و نیز توسعه ابزارها و نهادهای مالی در جهان، اهمیت پرداختن به سواد مالی دو چندان شد و دولت‌ها را در برخی از کشورهای توسعه یافته بر آن داشت تا با سیاست‌گذاری‌های مناسب به این حوزه ورود کنند و با ارتقای سواد مالی مردم خود، هم از آسیب‌های ناشی از بحران‌ها جلوگیری کنند، هم با افزایش فهم و درک مالی افراد، به بهینه‌تر اجرا شدن تصمیم‌های مالی و اقتصادی ملی‌شان کمک کنند و هم با افزایش رفاه و امنیت مالی و نیز ارتقای سطح مسئولیت‌پذیری فردی آنان در قبال تصمیم‌گیری‌های درست مالی، عملکرد کلی آن‌ها را در جامعه بهبود بخشند و جامعه‌ای سالم‌تر برای خود بسازند.

در ایران نیز بر اساس آمارهای بین‌المللی، سطح سواد مالی افراد بسیار پایین است؛ به‌طوری‌که در یکی از این گزارش‌ها درصد بزرگ‌سالانی که از نظر مالی با سواد هستند، ۲۰ درصد گزارش شده و از بین ۱۴۲ کشور، ایران رتبه ۱۲۸ را دارد (کلایپر، لوساردی، و وان اودهوسدن^۵، ۲۰۱۶). با توجه به سال‌های پس از انقلاب و بروز بحران‌های مالی و اقتصادی فراوانی که به سبب جنگ اقتصادی، تحریم‌ها، رکودها، تورم‌های شدید، سوء مدیریت‌ها و... اتفاق افتاده است، اقشار مختلفی از مردم به‌دلیل همین سطح سواد مالی ضعیف، آسیب‌های فراوانی دیدند؛ از این رو برای توانمند ساختن مردم ایران که جزء مطالبات مقام رهبری از دولت‌مردان و کارگزاران نظام است، دولت به‌عنوان نهاد متولی پیگیری منافع عامه مردم، باید به‌طور جدی سیاست‌گذاری برای ارتقای سواد مالی در افراد را یکی از اولویت‌های خود قرار دهد و با افزایش آگاهی‌ها و مهارت‌های مالی مردم، به ثبات جامعه و کاهش آسیب‌های مالی که به آسیب‌های اجتماعی و

۱. مانند بحران مالی آسیایی در سال ۱۹۹۷؛ بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ و بحران بدهی منطقه یورو در سال ۲۰۱۰.

2. Xu and Zia

۳. رفاه مالی (Financial well-being) به معنای درک توانایی بر حفظ استانداردهای زندگی مطلوب فعلی و دستیابی به استانداردهای زندگی مطلوب مورد انتظار و داشتن آزادی مالی است (بورگن و همکاران، ۲۰۱۷).

آزادی مالی (Financial freedom) به معنای قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب است. آزادی مالی همچنین به مرحله‌ای اطلاق می‌شود که در آن به امنیت مالی دست یافته‌اید و توانایی مقابله با بحران‌های مالی را دارید (اورهات، ۲۰۲۴).

۴. امنیت مالی (Financial Security) به معنای احساس داشتن منابع کافی برای تأمین نیازهای مالی است. (بنیاد ملی آموزش مالی (NEFE)، ۲۰۱۷).

5. Klapper, Lusardi, & van Oudheusden

فرهنگی منجر می‌شود، کمک کند. از طرفی دیگر، نهادهای علمی و دانشگاهی باید با پرداختن به ادبیات علمی در حوزه سواد مالی و اخذ نظرهای کارشناسان و نیز، بررسی اسناد سیاستی دیگر کشورها، با ارائه پیشنهادها سیاستی مدون نظری و عملیاتی، نهادهای متولی این امر را یاری کنند و چارچوبی بومی متناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی را برای سیاست‌گذاری در اختیار نهادهای بالادستی قرار دهند. بر این اساس، پژوهش حاضر در جست‌وجوی پاسخ به این پرسش اصلی است که چارچوب سیاستی مناسب برای ارتقای سواد مالی در ایران چیست؟

بدین منظور ابتدا چارچوبی مفهومی از مفاهیم اصلی این پرسش بیان شده و مقصود این پژوهش از هر اصطلاح مشخص می‌شود. سپس با بررسی پیشینه، کارهایی که درباره سیاست‌ها و استراتژی‌های ارتقای سواد مالی انجام شده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت با استفاده از روش تحقیق کیفی که متناسب با سؤال اصلی این پژوهش است، به تبیین پاسخ آن پرداخته خواهد شد.

چارچوب مفهومی و نظری

چارچوب سیاستی^۱

«سیاست»^۲ اصطلاحی تخصصی در رشته «سیاست‌گذاری عمومی»^۳ است که برای آن تعاریف مختلفی ذکر شده است؛ برای مثال، برخی از این تعاریف عبارت‌اند از: سیاست، اصولی است که مراجع ذی‌صلاح در کشور وضع می‌کنند و به‌عنوان الگو و راهنما، اقدام‌ها و فعالیت‌های لازم در جامعه را راهبری می‌کند (الوانی، ۱۳۹۳)؛ به عبارت دیگر، سیاست عبارت است از: اصل یا مجموعه‌ای از اصول که مشخص‌کننده روش یا روش‌های کلی برای عمل در زمینه به‌خصوص و مدنظر باشد. با توجه به این تعریف، سیاست می‌تواند در مورد یک فرد در موقعیت و زمینه خاصی نیز به‌کار برده شود (برزگر، ۱۳۷۱). بنابراین هر نوع طرح و برنامه و راه‌کار اتخاذ شده به‌وسیله یک حکومت، حزب سیاسی، سازمان تجاری یا تولیدی و از این قبیل که به‌نحوی در تصمیم‌سازی و اجرای آن تأثیر دارد، اصطلاح سیاست یا خط‌مشی نامیده می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۲). جیمز آندرسون نیز خط‌مشی را مجموعه اقداماتی هدف‌دار توصیف می‌کند که یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران برای برخورد با مشکل یا مسئله مورد توجه در نظر گرفته می‌شود (آندرسون، ۱۹۸۴).

بر این اساس، مقصود این پژوهش از چارچوب سیاستی، مجموعه‌ای از اصول، قوانین و راهنمایی‌هایی است که توسط نهادهای سیاست‌گذار برای هدایت و تنظیم سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها وضع می‌شود و روش، طرح و برنامه دولت را در زمینه‌ای خاص نشان می‌دهد که در این پژوهش، آن زمینه خاص «ارتقای سواد مالی» است و هدف اصلی آن ایجاد یک ساختار منسجم و هماهنگ برای سیاست‌گذاری است.

1. Policy Framework
2. Policy
3. Public Policy
4. Anderson

سواد مالی^۱

اصطلاح سواد مالی برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ در مطبوعات عمومی و ادبیات دانشگاهی ایالات متحده آمریکا ظاهر شد (فولکنر^۲، ۲۰۱۵). بحران اقتصادی بزرگ ایالات متحده آمریکا اهمیت یادگیری مدیریت پول را تقویت کرد. در سطح بین‌المللی، بحث درباره سواد مالی و تعاریف آن به تدریج از دهه ۲۰۰۰ شروع شد. از آن زمان تا به امروز در تعریف «سواد مالی» میان محققان و کارشناسان این حوزه تعاریف مختلفی ارائه شده است که این تعاریف گویای اختلاف نظر میان آن‌هاست (ریموند^۳، ۲۰۱۰). با این حال برخی از مهم‌ترین تعاریفی که در خصوص سواد مالی مطرح شده، بیان می‌شود.

ائتلاف جامپ استارت^۴ اولین نهادی است که برای سواد مالی شخصی در الگوی استانداردهای مالی شخصی خود، سواد مالی را تعریف کرده است. وی سواد مالی را این‌گونه تعریف می‌کند: «سواد مالی، توانایی استفاده از دانش و مهارت‌ها برای مدیریت کردن مؤثر منابع مالی برای یک عمر رفاه مالی است» (نیکولینی و کیود^۵، ۲۰۲۲).

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۶ (۲۰۱۳) سواد مالی را چنین تعریف می‌کند: سواد مالی ترکیبی از آگاهی‌ها، دانش، مهارت‌ها، گرایش و رفتارهای مالی ضروری برای تصمیم‌گیری صحیح مالی و در نهایت دستیابی به وضعیت مساعد مالی است. همین سازمان در سال ۲۰۲۰ تعریف خود را از سواد مالی موجزتر و جامع‌تر مطرح می‌کند و می‌گوید: «سواد مالی، ترکیبی از آگاهی، دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای لازم مالی است که موجب تصمیم‌گیری درست مالی شده و در نهایت باعث دستیابی به رفاه مالی فردی می‌شود» (نیکولینی و کیود^۵، ۲۰۲۲).

واژه سواد مالی دربرگیرنده مفاهیمی نظیر دانش مالی، مهارت‌های مالی (مهارت‌هایی همچون توانایی محاسبه بهره مرکب، مدیریت پول و برنامه‌ریزی مالی) دانش و علم در خصوص محصولات و مؤسسه‌های مالی است. البته این مفاهیم گاهی در عمل با یکدیگر هم‌پوشانی دارند (عاصی، چیرانی و فرحبد، ۱۳۹۹).

سواد مالی هفت حوزه اصلی دارد که عبارت است از: کلیات سواد مالی (شامل معرفی مفاهیم مالی مانند، هزینه، درآمد، مالیات، ریسک، ارزش زمانی پول و ...); مدیریت هزینه‌ها، مخارج و پس‌اندازها؛ مدیریت بدهی‌ها، وام‌ها و قرض‌ها؛ مدیریت درآمدها و اشتغال؛ سرمایه‌گذاری؛ مدیریت ریسک و بیمه‌ها؛ تصمیم‌گیری مالی (ائتلاف جامپ استارت برای سواد مالی شخصی^۷، ۲۰۱۵).

وقتی در این پژوهش از ارتقای سواد مالی صحبت می‌شود، مقصود افزایش آگاهی‌ها، دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای مالی صحیح و ضروری در هفت حوزه نام‌برده است که افراد را توانمند می‌سازد تا از دغدغه معیشتی فارغ شوند و رفاه و امنیت مالی برای خود و جامعه به ارمغان آورند.

1. Financial Literacy

2. Faulkner

3. Remund

4. The Jump\$tart Coalition for Personal Financial Literacy

5. Nicolini & Cude

6. OECD

7. Jump\$tart Coalition for Personal Financial Literacy

پیشینه تجربی پژوهش

با بررسی‌های انجام شده، تاکنون اثر علمی مستقلاً به صورت کتاب، پایان‌نامه و مقاله علمی با عنوان «چارچوب سیاستی برای ارتقای سواد مالی در ایران» به رشته تحریر در نیامده است؛ اما برخی مطالعات مرتبط در داخل و خارج کشور انجام شده است که با این پژوهش ارتباط موضوعی دارند و می‌توان در راستای سؤال اصلی پژوهش از آن‌ها بهره برد. در ادامه، به کارهایی که در خارج از کشور انجام شده است، اشاره می‌شود.

ژو و ضیا (۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «سواد مالی در جهان: مروری بر شواهد و پیشنهادات عملیاتی برای آینده پیش‌رو»^۱، منتشر شده توسط بانک جهانی، به بررسی اهمیت و وضعیت سواد مالی در کشورهای مختلف می‌پردازند. این مقاله بعد از بررسی تعاریف سواد مالی به نحوه ارزیابی سطح سواد مالی اشاره می‌کند و نشان می‌دهد سواد مالی در جهان پایین است، در نتیجه، اهمیت پرداختن به سواد مالی و سیاست‌گذاری در این حوزه را مورد تأکید قرار می‌دهد. این مقاله به سیاست‌گذاران توصیه می‌کند که برنامه‌های آموزشی مالی را با توجه به نیازهای خاص هر کشور طراحی کرده و بر بهبود اثربخشی این برنامه‌ها تمرکز کنند. این مقاله به عنوان منبعی جامع برای درک وضعیت جهانی سواد مالی و ارائه پیشنهاداتی عملی جهت بهبود آن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی/کمیته تحقیقاتی شبکه بین‌المللی آموزش مالی^۲ (۲۰۱۵) در کتابی با عنوان *استراتژی‌های ملی برای آموزش مالی (راهنمای سیاستی)*^۳، به بررسی استراتژی‌های ملی برای آموزش مالی در کشورهای مختلف پرداخته است. این راهنمای سیاستی از تجربه بیش از ۱۱۰ اقتصاد عضو سازمان بهره‌مند شده و با مشارکت مستقیم بیش از ۶۵ اقتصاد دنیا، از طریق فرایند مشاوره‌ای عمیق تدوین شده است. بر اساس مروری بر روندهای جهانی در طراحی و اجرای استراتژی‌های ملی برای آموزش مالی، این راهنما چالش‌های اصلی مرتبط را شناسایی و راه‌حلی را برای کشورها با چشم‌اندازهای اقتصادی و مالی متفاوت، ارائه می‌دهد. تمرکز این کتاب بر اهمیت هماهنگی بین بخش‌های مختلف دولتی و غیردولتی و ایجاد همکاری‌های فرابخشی برای دستیابی به نتایج مؤثر در زمینه آموزش مالی است.

آپریا و همکاران^۴ (۲۰۱۶) در کتاب *راهنمای بین‌المللی سواد مالی*^۵ نیز به‌طور جامع و تطبیقی برنامه‌ها و استراتژی‌های آموزش مالی در سطح جهانی را بررسی می‌کنند. آن‌ها در این کتاب به تحلیل شیوه‌های مختلف برای بهبود سواد مالی در کشورهای گوناگون^۶ می‌پردازند و اهمیت تدوین استراتژی‌های ملی و بین‌المللی در این زمینه را برجسته می‌سازند. کتاب یادشده، شامل تحلیل‌های دقیق از مفاهیم، سیاست‌ها و استراتژی‌های آموزش مالی در

1. Financial Literacy around the World: An Overview of the Evidence with Practical Suggestions for the Way Forward

2. OECD/INFE

3. National Strategies Financial Education (Policy Handbook)

4. Aprea et al.

5. International Handbook of Financial Literacy

۶. ایالات متحده، نیوزیلند، اتریش، آلمان، اندونزی، مکزیک، هلند، رومانی، آفریقای جنوبی، سوئیس، بریتانیا، سنگاپور، ایتالیا.

کشورهای مختلف است و با استفاده از تحلیل مقایسه‌ای، به مقایسه سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی مالی در کشورهای مختلف برای شناسایی بهترین شیوه‌ها و الگوهای موفق پرداخته است. همچنین با استفاده از مطالعات موردی، جزئیات دقیق از کشورها و نهادهای گوناگون برای ارائه شواهد تجربی و تحلیل‌های موردی را ارائه کرده است. این کتاب منبعی جامع و مرجعی مهم در زمینه سواد مالی جهانی است.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۱۶) در گزارشی با عنوان «آموزش مالی در اروپا: روندها و تحولات اخیر»^۱ که به زبان فارسی نیز ترجمه شده، به بررسی تحولات و روندهای اخیر در زمینه آموزش مالی در اروپا پرداخته و تجارب موفق ۴۸ کشور اروپایی در بهبود سواد مالی را تجزیه و تحلیل کرده است. این گزارش با استفاده از نظرسنجی از روندها و تحولات اخیر در آموزش مالی در اروپا (با پاسخ‌های دقیق از ۱۲ کشور)، نظرسنجی از اجرای استراتژی‌های ملی آموزش مالی، تحقیقات کتابخانه‌ای و تماس‌های دوجانبه با کشورهای عضو سازمان انجام شده است. برخی از یافته‌های این گزارش عبارت است از: معرفی روندها و تأثیراتی که در دو دهه گذشته سیاست‌های مالی اروپایی را تحریک کرده‌اند؛ معرفی برخی از ابزارهایی که مصرف‌کنندگان از طریق آن‌ها سواد مالی را دریافت می‌کنند؛ اشاره به اینکه بیش از یک‌سوم از ۴۸ کشور اروپایی مورد بررسی این گزارش، در حال توسعه، اجرا یا بازنگری یک استراتژی ملی آموزش مالی هستند؛ اغلب طرح‌های آموزشی مالی به گروه‌های متمرکزتر، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر و جوانان اختصاص دارد. در پایان این گزارش، توصیه‌های سیاستی و عملی برای طراحی استراتژی‌های ملی، جمع‌آوری داده‌ها، و تقویت سازوکارهای اجرایی ارائه می‌شود.

کوپر^۲ (۲۰۲۱) در گزارشی با عنوان «مسائل سیاست‌گذاری و آموزش مالی»^۳ که توسط کتابخانه کنگره آمریکا^۴ منتشر شده، به بررسی چالش‌ها و سیاست‌های مرتبط با سواد مالی و آموزش مالی در ایالات متحده آمریکا پرداخته است. این گزارش که یک مطالعه مروری به‌شمار می‌آید، با استفاده از منابع موجود به تعریف مفاهیم کلیدی، بررسی فعالیت‌های دولت فدرال در این زمینه، مرور پژوهش‌های انجام شده و طرح مسائل سیاست‌گذاری مربوطه می‌پردازد. بر اساس یافته‌های این گزارش، بسیاری از آمریکایی‌ها سواد مالی ضعیفی دارند؛ به‌طوری‌که در نظرسنجی سال ۲۰۱۹، فقط ۳۵ درصد پاسخ‌دهندگان به سه سؤال استاندارد درباره نرخ بهره، تورم و تنوع سرمایه‌گذاری پاسخ صحیح دادند. همچنین این گزارش به نقش دولت فدرال از طریق کمیسیون سواد مالی و آموزش مالی^۵ در هماهنگی فعالیت‌های مختلف در این زمینه و توسعه استراتژی ملی برای بهبود سواد مالی اشاره کرده است و راهکارهای بهبود اثربخشی این کمیسیون را معرفی می‌کند. در نهایت، افزایش حمایت دولت فدرال از برنامه‌های محلی آموزش مالی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

نیکولینی و کیود (۲۰۲۲) در کتاب *راهنمای سواد مالی راتلج*^۶، مجموعه‌ای از مقالات را گردآوری و ویرایش کرده‌اند که توسط ۵۰ استاد و متخصص سواد مالی از ۱۹ کشور مختلف در ۶ فصل و ۳۲ بخش نوشته شده است. این کتاب به

1. Financial education in Europe: trends and recent developments

2. Cooper

3. Financial Literacy and Financial Education Policy Issues

4. Congressional Research Service

5. Financial Literacy and Education Commission (FLEC)

6. The Routledge Handbook of Financial Literacy

مدل‌های مختلف آموزش مالی در سطح جهانی و راه کارهای عملی برای ارتقای سواد مالی در جوامع مختلف اشاره می‌کند و بر اهمیت آموزش مالی از دوران کودکی تأکید دارد. فصل‌های چهارم و پنجم این کتاب به‌طور خاص موضوعات سیاستی و جهانی مربوط به سواد مالی را پوشش می‌دهد. در فصل چهارم به بررسی نقش آموزش مالی در ارتقای سواد مالی پرداخته و شامل هفت بخش است که به موضوعاتی از جمله انواع خاص آموزش مالی، چالش‌های فناوری مالی در آموزش مالی، و استفاده از بازی‌وارسازی در آموزش مالی می‌پردازد. بخش پایانی این فصل نیز به بررسی مداخلات جایگزین برای ارتقای سواد مالی اختصاص دارد. فصل پنجم به توصیف وضعیت سواد مالی و آموزش مالی در سطح جهانی می‌پردازد و هر بخش از آن به کشورهایی مختلف از جمله ایالات متحده، کانادا، مناطق مرکزی و کارائیب، آمریکای جنوبی، اروپای غربی، شمالی و شرقی، آفریقا، آسیا، استرالیا و نیوزیلند اختصاص دارد. بخش پایانی این فصل نیز به مسائل مرتبط با سواد مالی و آموزش مالی در کشورهای با سیستم‌های مالی اسلامی پرداخته است. این کتاب منبع جامع و مهمی در زمینه موضوعی پژوهش حاضر است.

در میان منابع داخلی، منابع زیادی درباره خود سواد مالی وجود دارد؛ اما با بررسی‌هایی که در پایگاه‌های اطلاعاتی (سامانه‌های کتابخانه ملی، مگ ایران، نورمگز، سیویلیکا^۱، سید^۲، ایران‌داک و گوگل اسکولار) انجام شد، فقط موارد زیر یافت شد که از نظر موضوعی (سیاست‌ها و استراتژی‌های ارتقای سواد مالی) با پژوهش حاضر مرتبط بودند. اولین منبع، ترجمه گزارش «آموزش مالی در اروپا: روندها و تحولات اخیر» بود که توضیحات آن در منابع خارجی ذکر شد. ترجمه این کتاب توسط انتشارات قدیانی منتشر شده است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۱۳۹۸). اما منابع دیگر عبارت‌اند از:

پیغامی و مرادی باصیری (۱۳۹۵)، در کتابی با عنوان *سواد مالی؛ مالی شخصی و خانوادگی*، به بیان چستی سواد مالی و ضرورت پرداختن به آن اشاره می‌کنند و برخی از کلیدواژه‌های مهم این حوزه را تعریف و تاریخچه‌ای از توجه به سواد مالی عموم مردم در غرب را بیان می‌کنند. در ادامه نهادهای مهم فعال در این حوزه را معرفی کرده و تجربه کشورهای مختلف دنیا (ایالات متحده آمریکا، استرالیا، برزیل و روسیه) در طراحی و اجرای استراتژی ملی ارتقای سواد مالی عموم مردم کشورشان را بررسی می‌کنند. در پایان، دو الگوی موفق و تأثیرگذار در این حوزه را ذکر می‌کنند و طبق مبانی اسلامی، به نقد آخرین الگویی می‌پردازند که توسط ایالات متحده آمریکا در حوزه سواد مالی ارائه شده است. نبی‌پور (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین ابعاد مختلف ارتقای سواد مالی و چند و چون تحقق آن» که در ماهنامه بورس منتشر شده است، از طریق مصاحبه با سه نفر از استادان و نخبگان حوزه مدیریت مالی و سواد مالی، اهمیت توسعه سواد مالی، تأثیر ارتقای سواد مالی بر بازار سرمایه، مراحل اصولی اجرای هدفمند توسعه سواد مالی بر پایه تجربیات کشورهای موفق و راه کارهای ارتقای سواد مالی در ایران را بررسی کرده است. این پژوهش فاقد روش است و به این دلیل، جزء پیشینه پژوهش حاضر قرار گرفته است؛ زیرا سؤال‌هایی را پاسخ می‌دهد که مرتبط با سؤال اصلی آن است. زرنگار (۱۴۰۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «طراحی چارچوب مفهومی تدوین آموزش سواد مالی در

نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران»، با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای، ۵ کشور پیشرو در حوزه آموزش سواد مالی (استرالیا، امریکا، هلند، ترکیه و مالزی) را مورد بررسی قرار می‌دهد و راهبردهای آنان در حوزه سواد مالی را احصا می‌کند. سپس با استفاده از مصاحبه با ۱۰ نفر از نخبگان آموزشی و مالی کشور و با تجزیه و تحلیل نظرهای آنان به شیوه تحلیل مضمون کیفی، سعی دارد تا چارچوبی مفهومی برای تدوین آموزش سواد مالی در نظام آموزشی کشور ارائه دهد. یافته‌های پژوهش وی نشان می‌دهد که چارچوب مفهومی ارائه شده برای نظام آموزش سواد مالی، پنج محور اصلی دارد که عبارت است از ۱. مؤلفه‌های آموزش سواد مالی در نظام آموزشی کشور (مفاهیم بنیادین اقتصادی، مدیریت درآمد و هزینه، مدیریت بدهی و اعتبار، سرمایه‌گذاری هوشمند، مسیر شغلی؛ کار و اشتغال، مدیریت ریسک و بیمه، حقوق مالی)؛ ۲. ساختار اجرایی و نظارتی آموزش سواد مالی در کشور (تشکیل کمیته و یا شورای آموزش مالی در کشور که متشکل از نمایندگان متولیان آموزش مالی در کشور باشد)؛ ۳. متولیان اجرایی و سیاست‌گذار آموزش سواد مالی در کشور (وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، سازمان بورس، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، صدا و سیما، وزارت کشور، وزارت کار و رفاه اجتماعی، بیمه مرکزی، سازمان تأمین اجتماعی، کمیسیون اقتصادی مجلس، کمیته امداد، بنیاد مستضعفان و نمایندگان بخش خصوصی)؛ ۴. مخاطبان هدف آموزش سواد مالی در کشور (کودکان، نوجوانان، جوانان، بنگاه‌های کوچک و متوسط، اقشار آسیب‌پذیر، مسئولان و مدیران عالی کشور، بانوان و باننشستگان)؛ ۵. ارزیابی راهبرد آموزش سواد مالی در کشور (مدارس، کارمندان و مدیران سازمان‌های دولتی و سایر مخاطبان). پایان‌نامه مذکور از نظر موضوع و روش، شباهت زیادی به پژوهش حاضر دارد. با این حال، تمرکز اصلی آن بر آموزش سواد مالی در نظام آموزشی کشور است، در حالی که این پژوهش به ارائه چارچوب سیاستی برای ارتقای سواد مالی می‌پردازد که شامل گستره‌ای فراتر از نظام آموزشی است و شامل جنبه‌های دیگر سیاست‌گذاری نیز می‌شود.

سیمپاری و عامری مقدم (۱۴۰۳) در گزارشی با عنوان «اصول عالی راهبردهای ملی برای آموزش سواد مالی» که توسط مرکز مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار منتشر شده است، به ارائه اصولی می‌پردازد که هدف آن‌ها، راهنمایی کلی در مورد عناصر اصلی مطلوب راهبردهای ملی کارآمد برای آموزش سواد مالی است. این سند در قالب پنج بخش و یک پیوست طراحی شده و به تشریح فرایندهای مقدماتی، تهیه و توسعه راهبرد ملی در حوزه آموزش سواد مالی پرداخته است. در بخش اول، به مفاهیم کلی اشاره کرده و تعریف، دامنه و هدف یک راهبرد ملی را بیان می‌کند. در بخش دوم، به تهیه راهبرد ملی در چهار عنوان تخصصی اشاره می‌کند و سپس در بخش سوم، به سازوکار حکمرانی و نقش‌ذی‌نفعان اصلی در راهبرد ملی می‌پردازد. موضوع محوری بخش چهارم، تهیه نقشه راه برای تدوین راهبرد ملی است. در این بخش توضیحاتی پیرامون اولویتهای کلیدی، مخاطبان هدف، اثرسنجی و امکانات اجرا در مسیر طراحی راهبرد ملی ارائه می‌شود. بخش آخر این گزارش (بخش پنجم) به مرحله اجرای راهبرد ملی اختصاص دارد و در بخش پایانی، پیشنهادهای سیاستی از سوی محققان جهت اجرای راهبرد ملی آموزش سواد مالی ارائه شده است. تشویق و حمایت بیشتر از پژوهشگران و دانشجویان فعال در حوزه سواد مالی، ترویج و گفتمان‌سازی پیرامون مقوله سواد مالی و اهمیت یادگیری آن در بین عموم مردم، شناسایی نیازها و کمبودهای مهارتی و دانشی عموم مردم از جهت

سواد مالی، تعریف استانداردهای محتوایی و اجرایی در زمینه آموزش مالی، برگزاری سریع و گسترده دوره‌های آموزش تربیت مربی در حوزه آموزش سواد مالی، تشکیل صندوق حمایت از مؤسسه‌ها و مراکز آموزش خصوصی در حوزه سواد مالی کودکان و بزرگسال، ایجاد یک (هویت بصری) برند ملی به همراه شعار ویژه جهت اطلاع‌رسانی مؤثر و جذاب و ایجاد یک پلتفرم ساده و کاربردی آموزش مالی و سرمایه‌گذاری با هدف انتشار محتوای آموزشی، از جمله مهم‌ترین محورهای پیشنهادی این گزارش است. روش به کار رفته در این گزارش، مطالعه کتابخانه‌ای و توصیفی است. این گزارش نیز منبع مناسبی برای این پژوهش به شمار می‌آید و در راستای پاسخ به سؤال اصلی از آن استفاده می‌شود.

بر اساس پیشینه ذکر شده، اطلاعات متنوع و گسترده‌ای درباره سیاست‌ها و استراتژی‌های ارتقای سواد مالی در جهان وجود دارد که می‌توان از آن‌ها الگوبری و استفاده کرد؛ اما لازمه استفاده از این اطلاعات، تجزیه، تحلیل و طبقه‌بندی آن‌ها متناسب با شرایط خاص کشور است. نوآوری پژوهش حاضر این است که رویکردهای بین‌المللی برای ارتقای سواد مالی ملی را احصا کرده و در کنار نظرهای خبرگان و منابع داخلی قرار داده است تا در این بستر، چارچوبی را مبتنی بر تجربه‌های موفق، نظرهای کارشناسی و متناسب با فرهنگ بومی ایرانی - اسلامی به صورت منسجم، جامع و با استفاده از روش علمی ارائه کند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت توصیفی - اکتشافی است و از نظر روش تحقیق کیفی به شمار می‌آید. در مرحله جمع‌آوری اطلاعات ابتدا بر اساس پیشینه پژوهش با استفاده از کتب، اسناد و منابع اطلاعاتی موجود در سایت‌های داخلی و بین‌المللی که در جدول ۱ معرفی شده است، سیاست‌ها و استراتژی‌های ملی ارتقای سواد مالی در کشورهای مختلف بررسی شد. روش کار به این صورت بود که سیاست‌های غیرتکراری، به عنوان گزاره ثبت و سیاست‌های تکراری حذف شد.

جدول ۱. اسناد و منابع اطلاعاتی استفاده شده

ردیف	نام منبع	سال انتشار	مؤلف/ مترجم	ناشر	علت انتخاب
۱	استراتژی‌های ملی برای آموزش مالی (راهنمای سیاستی) ^۱	۲۰۱۵	کمیته تحقیقاتی شبکه بین‌المللی آموزش مالی	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	کتاب جامعی است که در فصل اول این کتاب استراتژی‌های ملی کشورهای مختلف مرور شده است.
۲	کتاب راهنمای سواد مالی راتلج ^۲	۲۰۲۲	نیکولینی و کیود	انتشارات راتلج	فصل‌های چهار و پنج این کتاب مطالعات موردی از استراتژی‌های ملی کشورهای مختلف آورده شده است.
۳	آموزش مالی در اروپا: روندها و پیشرفت‌های اخیر ^۱	۱۳۹۸	محمدرضا سیمپاری	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	سیاست‌ها و استراتژی‌های ۴۸ کشور اروپایی را بررسی کرده است.

1. National Strategies Financial Education (Policy Handbook)
2. The Routledge Handbook of Financial Literacy

ردیف	نام منبع	سال انتشار	مؤلف/ مترجم	ناشر	علت انتخاب
۴	کتاب راهنمای سواد مالی بین‌المللی ^۲	۲۰۱۶	آپریا و همکاران	اسپرینگر	در فصل‌های دو و سه این کتاب مطالعات موردی در خصوص استراتژی‌های ملی کشورها مختلف آورده شده است.
۵	اصول عالی راهبردهای ملی برای آموزش سواد مالی	۱۴۰۳	سیمپاری و عامری مقدم	سازمان بورس و اوراق بهادار	در این گزارش پیشنهادهای سیاستی برای تدوین استراتژی ملی وجود دارد.
۶	سواد مالی در آلمان: حمایت از تاب‌آوری مالی و رفاه ^۳	۲۰۲۴	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	این گزارش توصیه‌های سیاستی برای طراحی استراتژی ملی ارائه می‌دهد و جزء جدیدترین منابع است.
۷	استراتژی ملی سواد مالی برای اتریش ^۴	۲۰۲۱	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	این گزارش توصیه‌های سیاستی برای طراحی استراتژی ملی ارائه می‌دهد.
۸	استراتژی ملی آموزش مالی در لهستان ^۵	۲۰۲۳	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	این گزارش توصیه‌های سیاستی برای طراحی استراتژی ملی ارائه می‌دهد و جزء جدیدترین منابع است.
۹	استراتژی ملی سواد مالی در یونان ^۶	۲۰۲۴	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	این گزارش توصیه‌های سیاستی برای طراحی استراتژی ملی ارائه می‌دهد و جزء جدیدترین منابع است.
۱۰	ارزیابی استراتژی‌های ملی سواد مالی ^۷	۲۰۲۲	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	در این گزارش شیوه‌های ارزیابی استراتژی‌های ملی توضیح داده شده است.
۱۱	اصول عالی درباره استراتژی‌های ملی برای آموزش مالی ^۸	۲۰۱۲	کمیته تحقیقاتی شبکه بین‌المللی آموزش مالی	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	در این گزارش اصول عالی طراحی استراتژی‌های ملی برای آموزش مالی توضیح داده شده است.
۱۲	مدیریت مالی شخصی: سبک تخصیص منابع مالی شخصی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری	۱۳۹۹	سیمپاری	انتشارات دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام	در این کتاب اصول اسلامی مرتبط با محتوای آموزشی متناسب با سواد مالی معرفی می‌شود.

1. Financial education in Europe: trends and recent developments

2. International Handbook of Financial Literacy

3. Financial literacy in Germany: Supporting financial resilience and well-being

4 . A national financial literacy strategy for Austria

5 . National Strategy for Financial Education for Poland

6 . National financial literacy strategy for Greece

7 . Evaluation of National Strategies for Financial Literacy

8 . High-level Principles on National Strategies for Financial Education

بر این اساس، چارچوبی به صورت اولیه به دست آمد. با راهنمایی دو نفر از استادان و خبرگان حوزه سواد مالی، این چارچوب مبنای طراحی سؤال‌هایی برای مصاحبه نیمه ساختار یافته با نخبگان قرار گرفت. ۱۰ سؤال طراحی شد و برای سنجش و اطمینان از روایی سؤال‌ها، پرسش‌نامه‌ای تنظیم و از ۴ نفر خبره سواد مالی درخواست شد تا بر اساس سنجش محتوایی CVR، میزان ضرورت هر کدام از سؤال‌ها را بر اساس سؤال اصلی تحقیق و نیز چارچوب اولیه به دست آمده با انتخاب یکی از سه گزینه ضروری است؛ مفید است ولی ضروری نیست؛ ضرورتی ندارد؛ عنوان کنند. نتیجه به دست آمده، روایی سؤال‌ها را تأیید کرد. سپس سؤال‌ها برای ۱۰ نفر از استادان و کارشناسان حوزه مدیریت مالی، سواد مالی و سیاست‌گذاری که سنخ‌شناسی آن‌ها در جدول ۲ آمده است، ارسال و از آنان درخواست شد تا به سؤال‌ها پاسخ دهند.

جدول ۲. سنخ‌شناسی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	تحصیلات	سمت	سابقه
۱	دکتری مدیریت مالی	مدرس دانشگاه و مرکز مالی ایران	۵ سال
۲	کارشناسی‌ارشد مدیریت دولتی و دکتری مدیریت نوآوری	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	۷ سال
۳	دکتری مدیریت مالی	عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی	۹ سال
۴	دکتری اقتصاد	پژوهشگر سواد مالی	۸ سال
۵	دکتری فرهنگ و ارتباطات گرایش سیاست‌گذاری	عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)	۷ سال
۶	کارشناسی‌ارشد مدیریت مالی و دکتری کسب و کار	مدیرعامل مؤسسه‌ای مرتبط با سواد مالی برای کودکان، نوجوانان و بانوان	۱۰ سال
۷	کارشناسی‌ارشد اقتصاد	پژوهشگر سواد مالی	۸ سال
۸	دکتری حسابداری	عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد	۱۰ سال
۹	دکتری استراتژیک	مدرس دانشگاه	۱۰ سال
۱۰	دکتری مدیریت مالی	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	۱۵ سال

پس آنکه مصاحبه‌ها صورت گرفت، برای سنجش پایایی آن‌ها از روش پایایی باز آزمون استفاده شد. پایایی باز آزمون^۱ به میزان سازگاری طبقه‌بندی داده‌ها در طول زمان اشاره دارد. این شاخص را می‌توان زمانی محاسبه کرد که یک کدگذار، یک متن را در دو زمان متفاوت کدگذاری کرده باشد (خواستار، ۱۳۸۸؛ میلر و یانگ^۲، ۲۰۰۷) برای محاسبه پایایی باز آزمون از میان مصاحبه‌ها دو مصاحبه (شماره‌های ۱ و ۴) به عنوان نمونه انتخاب و هریک از آن‌ها در دو فاصله زمانی کوتاه و مشخص، دوباره کدگذاری شدند. در هر یک از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه

1. re-test reliability

2. Miller & Yang

بودند، با نام «توافق» و کدهای غیرمشابه با نام «عدم توافق» مشخص شدند. بر اساس فرمول محاسبه پایایی بازآزمون^۱، درصد پایایی مصاحبه اول ۹۵ درصد و مصاحبه دوم ۹۱ درصد به دست آمد. با توجه به اینکه میزان پایایی هر دو مصاحبه بیشتر از ۶۰ درصد بود، پایایی مصاحبه‌ها نیز تأیید شد.

در این پژوهش علت اینکه فقط ۱۲ منبع اطلاعاتی ذکر شده در جدول ۱ بررسی شد یا اینکه فقط از ۱۰ نفر از استادان و کارشناسان مصاحبه به عمل آمد، آن بود که محقق به این نتیجه رسید که به اشباع نظری دست یافته است و از آنجا به بعد، مطالب حالت تکراری پیدا کردند. از مهم‌ترین بخش‌های تحلیل کیفی، دستیابی به حد اشباع نظری است. بنابراین محقق کدگذاری را تا آنجا باید ادامه دهد که به اشباع نظری برسد. از آنجا که پژوهش حاضر بر اساس ترکیبی از بررسی اسناد سیاستی و مصاحبه نیمه‌ساختار یافته صورت گرفته است، می‌توان مدعی شد که به این اشباع نظری رسیده است.

در مرحله دوم با استفاده از روش تحلیل مضمون، چارچوب سیاستی برای ارتقای سواد مالی افراد در ایران بر اساس اطلاعات به دست آمده، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

تحلیل مضمون روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش داده‌ها را سازمان‌دهی و در قالب جزئیات توصیف می‌کند؛ اما می‌تواند از این فراتر رود و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده و تحلیل‌های متنوع را به داده‌هایی منسجم و تفصیلی تبدیل می‌کند (برون و کلارک^۲، ۲۰۰۶).

برای روش تحلیل مضمون رویه‌های مختلفی ارائه شده است؛ اما در این تحقیق از رویکرد سه مرحله‌ای زیر استفاده می‌شود:

۱. کدگذاری توصیفی: مطالعه و استخراج بخش‌های مرتبط متن و تعریف کدهای توصیفی. با پیش رفتن در متون بعدی این کدهای توصیفی بازنگری می‌شوند.
۲. کدگذاری تفسیری: دسته‌بندی کدهای توصیفی و تفسیر معانی دسته‌ها با توجه به سؤالات تحقیق و حوزه مطالعاتی.
۳. شبکه مضامین: استخراج مضامین کلیدی برای مجموعه داده‌ها به عنوان یک کل، از طریق نگریستن به کدهای تفسیری از منظر تئوریک و یا عملی تحقیق و در نهایت، ترسیم نموداری برای نشان دادن روابط بین سطوح مختلف (کینگ و هروکس^۳، ۲۰۱۰).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

کدگذاری توصیفی: در این مرحله ابتدا مطالب مرتبط با سؤال اصلی استخراج شد؛ سپس با مطالعه دقیق و خطبه‌خط

۱. درصد پایایی بازآزمون = $\frac{100\% \times \text{تعداد توافقی‌ها}}{\text{تعداد کل کدها}} \times 2$

2. Braun & Clarke

3. King & Horrocks

مطالب، ۱۶۱ کدگذاری اولیه برای ۱۴۵ گزاره صورت گرفت. در مرحله بعد، کدهای اولیه مشابه از نظر مفهوم و محتوا با هم ادغام و ۶۴ مضمون توصیفی اولیه توسط محقق استخراج شد. در جدول ۳ برخی از گزاره ها و دو نوع مرحله کدگذاری برای نمونه مشاهده می شود.^۱

جدول ۳. نمونه کدگذاری اولیه

شماره	گزاره	کد اولیه
۱	مردم باید با مفاهیم مالی و اقتصادی آشنا شوند و یکی از راه کارهایی که آن ها را با این امر آشنایی می کند، پرداختن به این موضوع در متون آموزش و پرورش است که دانش آموزان را از ابتدا با این مفاهیم آشنا سازد.	- وارد کردن مفاهیم مالی در متون آموزشی آموزش و پرورش - آشنا کردن مردم با مفاهیم مالی از طریق آموزش
۲	صدا و سیما نقش ویژه ای در ارتقای سواد مالی دارد، به عنوان نمونه می تواند از طریق آگهی های بازرگانی، موشن گرافی ها، سریال ها و برنامه های تلویزیونی مفاهیم اصلی سواد مالی را به مردم منتقل کند.	- ساخت برنامه های تلویزیونی و رادیویی با موضوع سواد مالی
۳	سواد مالی دارای ادبیات جوانی است که هنوز جای کار بسیاری در میان محافل علمی و دانشگاهی دارد. کتاب های زیادی در این حوزه هنوز تألیف نشده است و در زمینه سطح سواد مالی هنوز تحقیقاتی جدی و مشابه آنچه به صورت بین المللی انجام می شود، انجام نشده است.	- تألیف کتاب ها و مقاله های علمی با موضوع سواد مالی - الگو گرفتن از تحقیقات علمی بین المللی برای سنجش میزان سطح سواد مالی در کشور
۴	به طور معمول، در کشورهایی مانند آمریکا نهادهای به عنوان متولی اقدامات لازم جهت افزایش سطح سواد مالی وجود دارد که این می تواند در ایران نیز تشکیل شود.	- تأسیس نهاد متولی ارتقای سواد مالی در کشور
۵	یکی از ابزارهایی که امروزه در دنیا برای آموزش سواد مالی به کار می رود استفاده از پلتفرم های مختلفی است که می توان در بستر آن ها این آموزش ها را یا به صورت رایگان یا به صورت پولی در اختیار مردم قرار داد.	- استفاده از پلتفرم های مختلف برای آموزش سواد مالی
۶	هم راستایی نهادهایی که چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم در امر آموزش سواد مالی دخیل هستند، اهمیت ویژه ای دارد و باید محتوایی به مردم ارائه شود که کاربردی، منسجم و مبتنی بر علم روز دنیا باشد.	- هم راستا کردن نهادهای مالی و آموزشی برای ارائه خدمات کاربردی سواد مالی - کاربردی کردن آموزش ها
۷	می توان برای ارتقای سواد مالی در مردم، نهادهای سیاست گذار شرح وظایفی به عنوان مشاوره و برنامه ریزی برای افزایش آگاهی های مالی افراد جامعه را برای نهادهای مالی مانند بانک ها، مؤسسه های مالی، شرکت های سرمایه گذاری، کارگزاری ها و خود سازمان بورس اوراق بهادار و... تعریف کنند.	- تدوین شرح وظایف برای نهادهای مالی - دست اندرکار در حوزه سواد مالی - افزایش آگاهی های مالی افراد

۱. با توجه به محدودیت حجم مقاله، نمونه ای برای روشن شدن مراحل انجام پژوهش ذکر می شود.

جدول ۴. نمونه استخراج مضامین اولیه

ردیف	کدهای اولیه	مضامین اولیه	فراوانی
۱	R1, R9, R20, R27, R67, R73, R109, R134	گنجاندن مفاهیم مالی در متون آموزشی آموزش و پرورش متناسب با مقاطع تحصیلی مختلف	۸
۲	R4, R42, R44, R69, R82	تأسیس نهاد متولی مستقل برای ارتقای سواد مالی	۵
۳	R28, R38, R71, R96, R102	استفاده کارآمد از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و دیجیتالی	۴
۴	R46, R68, R113, R133	ایجاد بدنه جمعی با استفاده از مشارکت عمومی، مؤسسه‌های دولتی و بخش خصوصی	۴
۵	R56, R84, R117	افزایش مشارکت در بازارهای مالی	۳
۶	R6, R21, R94, R144, R148	کاربردی کردن آموزش‌ها	۵
۷	R11, R69, R129, R140	تولید و توسعه محتوای مناسب	۴
۸	R6, R39, R92, R111	هم‌راستا کردن نهادهای مالی و آموزشی برای ارائه خدمات کاربردی	۴

کدگذاری تفسیری: پس از کدگذاری توصیفی، برای هر ۶۴ کد توصیفی استخراج شده، متناسب با مضمون آن و با توجه به تعاریف اصلی در راستای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، یک کد تفسیری نسبت داده شد که در مجموع ۱۴ کد تفسیری به‌دست آمد و به‌صورت زیر طبقه‌بندی گردید:

جدول ۵. کدگذاری تفسیری

ردیف	مضامین اولیه	مضامین پایه
۱	- تأسیس نهاد متولی مستقل برای ارتقای سواد مالی - تصویب قوانین مربوط به نهاد متولی - پیگیری آموزش سواد مالی در شرایط جنگ اقتصادی به‌عنوان پدافند غیرعامل	پیش‌نیازهای قانونی
۲	- طراحی، اولویت‌بندی، اجرا و ارزیابی استراتژی‌های سواد مالی ملی - حضور نمایندگان ذی‌نفعان مختلف بخش خصوصی و دولتی در نهاد متولی - هماهنگ کردن بخش دولتی و بخش خصوصی - تعیین اصول و دستورالعمل برای تنظیم ناهماهنگی‌های بخش دولتی و بخش خصوصی - تعیین وضع موجود و وضع مطلوب سطح سواد مالی - طراحی پورتال جامع ملی آموزش سواد مالی - ایجاد بدنه جمعی با استفاده از مشارکت عمومی، مؤسسه‌های دولتی و بخش خصوصی - تدوین شرح وظایف برای نهادهای مالی دست‌اندرکار در حوزه سواد مالی - هم‌راستا کردن نهادهای مالی و آموزشی برای ارائه خدمات کاربردی - گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی	پیش‌نیازهای اجرایی
۳	- تعیین بودجه و تأمین مالی مورد نیاز - شناسایی امکانات مالی	پیش‌نیازهای مالی

ردیف	مضامین اولیه	مضامین پایه
۴	- ترویج و گفتمان‌سازی مقوله سواد مالی	پیش‌نیازهای فرهنگی
۵	- آشنایی اقشار مختلف با مفاهیم مالی - افزایش دانش و مهارت‌های مالی عمومی - بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی شخصی	اهداف آموزشی
۶	- افزایش بهره‌وری افراد در کارها - کاهش بدهی‌های خانوارها و افزایش سرمایه‌گذاری هدفمند - ارتقای ثبات و رشد اقتصادی کلان - افزایش مشارکت در بازارهای مالی	اهداف اقتصادی
۷	- افزایش درک مردم و حمایت‌های آنان از سیاست‌های اقتصادی با ارتقای سواد مالی - مقابله با کلاه‌برداری‌های مالی با افزایش آگاهی‌های مالی آنان - کاهش فقر و نابرابری اقتصادی - ایجاد دسترسی برابر به منابع آموزشی مالی	اهداف سیاسی - اجتماعی
۸	- ادغام سواد مالی با سایر مهارت‌های زندگی - کاربردی کردن آموزش‌ها - تولید و توسعه محتوای مناسب مبتنی بر مبانی اسلامی - تعریف استانداردهای محتوایی و اجرایی در زمینه آموزش مالی - اشتراک‌گذاری و یکپارچه‌سازی بهترین روش‌های آموزشی - تدوین برنامه آموزشی مؤثر و متناسب با سطح سواد مالی، جنسیت، حرفه - گنجاندن مفاهیم مالی در متون آموزشی آموزش و پرورش متناسب با مقاطع تحصیلی مختلف - ترویج آموزش مالی به‌طور منظم در محیط‌های اجتماعی گوناگون و در طول زندگی شخصی افراد - تمرکز بر مؤلفه‌های آموزش سواد مالی در نظام آموزشی کشور (شامل مفاهیم بنیادین اقتصادی، مدیریت درآمد و هزینه، مدیریت بدهی و اعتبار، سرمایه‌گذاری هوشمند، کار و اشتغال، مدیریت ریسک و بیمه، مقررات مالی)	الزامات محتوایی
۹	- تعیین گروه‌های هدف و مخاطبان بر اساس اولویت	الزامات مخاطب‌شناسی
۱۰	- تربیت مربیان سواد مالی - آموزش مناسب به اشخاص ارائه‌دهنده و ترویج‌کننده سواد مالی - صدور مجوز و گواهی‌نامه برای ارائه‌دهندگان سواد مالی	الزامات متخصص‌پروری
۱۱	- طراحی نظام ارزیابی سطح سواد مالی - شناسایی نیازها و کمبودهای مهارتی و دانشی عموم مردم در حوزه سواد مالی	الزامات ارزیابی
۱۲	- استفاده از ابزارهای نوین آموزشی - ساخت موزه سواد مالی - استفاده کارآمد از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و دیجیتالی - استفاده از ابزارهای سمعی و بصری (فیلم، سریال، تئاتر، پادکست، موشن گرافیک و...) - طراحی بازی‌های رایانه‌ای و غیررایانه‌ای - استفاده از اپلیکیشن‌های موبایلی - استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی - ارسال پیام‌های آموزشی با موضوع سواد مالی	ابزارهای نوین

ردیف	مضامین اولیه	مضامین پایه
	بهره‌گیری از هوش مصنوعی	
۱۳	- استفاده از کتب علمی، آموزشی و داستانی - انتشار محتواهای آموزشی در قالب بروشور، کتابچه و... توسط نهادهای مالی - برگزاری کلاس‌های آموزشی آنلاین و حضوری - برگزاری کلاس‌های آموزشی برای کارکنان دولتی و بخش خصوصی - برگزاری مسابقات و چالش‌های مالی	ابزارهای سنتی و کلاسیک
۱۴	- تشویق و اعطای تسهیلات برای نوشتن مقاله‌ها و کتاب‌های مرتبط با سواد مالی - تشکیل صندوق حمایت از مؤسسه‌ها و مراکز آموزش خصوصی در حوزه سواد مالی کودکان و بزرگسالان با هدف شناسایی این نهادها - استفاده از ظرفیت‌های دستگاه‌های متولی فرهنگ در کشور - استفاده از ظرفیت‌های صدا و سیما - برگزاری هفته سواد مالی - ارائه تسهیلات به بخش‌های خصوصی و مؤسسه‌ها برای ساخت ابزارهای مناسب - ارائه مشاوره‌های رایگان و پولی توسط نهادهای مالی - برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی سواد مالی	ابزارهای حمایتی - تشویقی

شبکه مضامین: بعد از کدگذاری تفسیری، همه آن‌ها با یکدیگر ادغام شد و در مجموع جدول ۶ در مرحله شبکه مضامین شکل گرفت.

جدول ۶. شبکه مضامین

مضامین پایه	مضامین اصلی
پیش‌نیازهای قانونی	پیش‌نیازهای سیاستی
پیش‌نیازهای اجرایی	
پیش‌نیازهای مالی	
پیش‌نیازهای فرهنگی	
اهداف آموزشی	اهداف سیاستی
اهداف اقتصادی	
اهداف سیاسی - اجتماعی	
الزامات محتوایی	الزامات سیاستی
الزامات مخاطب‌شناسی	
الزامات متخصص‌پروری	
الزامات ارزیابی	
ابزارهای نوین	ابزارهای سیاستی
ابزارهای سنتی و کلاسیک	
ابزارهای حمایتی - تشویقی	

یافته‌های پژوهش

چارچوب سیاستی برای ارتقای سواد مالی در ایران

با بررسی جدول‌ها و یافته‌های فوق و با تأکید بر پاسخ‌دهی به سؤال اصلی پژوهش، می‌توان به این نتیجه رسید که چارچوب سیاستی مناسب برای ارتقای سواد مالی در ایران، می‌تواند شامل مجموعه‌ای کاملی از پیش‌نیازها، اهداف، الزامات و ابزارهای سیاستی باشد که در چارچوبی نظام‌مند، همه‌ی سطوح یک نظام سیاست‌گذاری پویا و منحصربه‌فرد را شامل می‌شود. در اینجا به شرح کامل این چارچوب و پیشنهادهای سیاستی می‌پردازیم.

پیش‌نیازهای سیاستی

ارتقای سواد مالی در وهله‌ی نخست، به فراهم‌سازی برخی از پیش‌نیازها و بسترسازی‌هایی نیاز دارد که آن را تحقق بخشد. با بررسی‌هایی که انجام شد، بر اساس نظر نخبگان و اسناد سیاستی دیگر کشورها، می‌توان در چهار سطح، پیش‌نیازهایی را برای ارتقای سواد مالی در ایران تعریف کرد. این چهار سطح که بر اساس مضامین اصلی به‌دست آمده، عبارت است از: پیش‌نیازهای قانونی، اجرایی، مالی و فرهنگی.

در سطح کلان، «مجلس شورای اسلامی» می‌تواند با تصویب قوانین مرتبط، در خصوص ارتقای سطح سواد مالی در کشور، نقش بسیار مهمی را ایفا کند. در سال‌های اخیر، مجلس شورای اسلامی اقداماتی را با محوریت «کمسیون اقتصادی»، در «طرح اصلاح قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران» انجام داد و برای اولین بار، ماده‌هایی به این موضوع اختصاص یافت. در ماده‌ی ۵ این طرح، سازمان بورس و اوراق بهادار، بانک مرکزی و بیمه‌ی مرکزی مکلف شده‌اند که با همکاری سازمان صداوسیما، شیوه‌نامه‌ای را برای ارتقای دانش مالی جامعه تدوین کنند و برای تصویب به شورای عالی بورس پیشنهاد دهند. همچنین، در تبصره‌های این ماده، تأمین منابع مالی لازم در این خصوص توسط سازمان برنامه و بودجه و سازمان بورس و اوراق بهادار، پیش‌بینی شده است. در ماده‌ی ۶ این طرح، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، موظف است که سند ارتقای دانش مالی و اقتصادی ایران را در تمامی سطوح آموزشی و تربیتی تصویب کند. در ماده‌ی ۷ این طرح که می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم بر سواد مالی اثرگذار باشد، سازمان بورس و اوراق بهادار مکلف شده است که با همکاری قوه قضاییه و شورای عالی فضای مجازی، دستورالعمل فعالیت فعالان فضای مجازی در بازار سرمایه را تدوین کند و برای تصویب به شورای عالی بورس پیشنهاد دهد (نبی‌پور، ۱۴۰۰).

این اقدام‌ها جای تقدیر دارد؛ اما به چند دلیل، این تصویب قوانین نارسایی‌هایی دارد که می‌توان آن‌ها را بهینه کرد و اصلاح‌هایی را در این زمینه با توجه به نظر متخصصان این حوزه، به‌عنوان پیشنهاد سیاستی مطرح کرد. یکی از دلایلی که این قوانین را در مرحله‌ی اجرا کمی با مشکل روبه‌رو می‌کند، این است که قانون، یک نهاد متولی مستقل برای این امر مشخص نکرده است؛ بلکه دستورالعملی را به‌صورت موازی برای برخی از نهادهای حاکمیتی تعریف کرده است که توسط نهاد متولی مستقلی قابل پیگیری نیست؛ زیرا این نهاد متولی مسئول وجود ندارد.

در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته جهان که سواد مالی برای آنان اهمیت ویژه‌ای دارد، نهاد متولی مستقلی وجود دارد که مسئولیت اجرای سیاست‌های ارتقای سواد مالی را برعهده دارد. پیشنهاد سیاستی این است که بر اساس چهار سطح پیش‌نیازهای احصا شده، در ایران نیز باید نهادی مستقل برای ارتقای سواد مالی تأسیس شود. برای آن نهاد، قوانین رسمی وجود داشته باشد، بودجه مشخصی برای آن تخصیص داده شود، تأمین مالی مورد نیاز برای برنامه‌های آن صورت بگیرد و برای ترویج و گفتمان‌سازی آن تلاش شود.

از نهادهای ذی‌نفع مانند وزارتخانه‌ها (آموزش و پرورش، علوم، کار و رفاه اجتماعی، کشور و اقتصاد)، بانک‌ها، مؤسسه‌های مالی، بیمه مرکزی، شورای عالی بورس، صندوق‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری، کمیسیون اقتصادی مجلس، کمیته امداد، بنیاد مستضعفان، شرکت‌های خصوصی فعال در آموزش سواد مالی، ستاد کل نیروهای مسلح (بسیج و سازمان نظام وظیفه عمومی) و صداوسیما، نمایندگانی در این نهاد چه به صورت حقیقی و چه به صورت حقوقی حضور یابند. این نهاد می‌تواند به طراحی، اجرا و ارزیابی استراتژی‌های سواد مالی ملی بپردازد و با درگیر کردن و هماهنگ کردن همه بخش‌های دولتی و خصوصی، از طریق تعیین اصول و دستورالعمل‌ها برای تنظیم ناهماهنگی‌های آنان و پیگیری مستمر، مسئولیت همه‌جانبه ارتقای سواد مالی در کشور را برعهده بگیرد. همچنین این نهاد مسئول، می‌تواند با تدوین شرح وظایف برای نهادهای دست‌اندرکار در حوزه سواد مالی و راه‌اندازی پورتال جامع ملی ارتقای سواد مالی، نقش کانونی خود را تسهیل کند. این نهاد باید گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی جامعی در رابطه با وظایف خود نیز داشته باشد.

اهداف سیاستی

مضامین اصلی شکل گرفته در حوزه اهداف را می‌توان در سه سطح خلاصه کرد: اهداف آموزشی؛ اهداف اقتصادی؛ اهداف سیاسی - اجتماعی. برخی از اهداف سیاستی برای ارتقای سواد مالی صرفاً آموزشی است و افزایش دانش و علم در کشور را باعث می‌شود. مثلاً آشنایی اقشار مختلف با مفاهیم مالی، افزایش دانش و مهارت‌های مالی عمومی، بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی شخصی مؤلفه‌هایی است که در حوزه آموزش عمومی تعریف می‌شود و به خودی خود، امری مهم است؛ زیرا نهاد متولی می‌تواند با طراحی سنج‌های تعیین سطح سواد مالی، میزان دستیابی به این هدف را بررسی و ارزیابی کند.

دسته دیگر اهدافی که می‌توان به واسطه ارتقای سواد مالی در کشور به آن دست یافت، از سنخ اهداف اقتصادی به‌شمار می‌آید که ثمره آن برای افراد، خانوارها، بنگاه‌ها و دولت منفعت اقتصادی ایجاد می‌کند؛ برای مثال، وقتی در یک محیط کسب‌وکار، افراد سواد مالی داشته باشند، با تصمیم‌گیری‌های صحیح و بهینه خود از نظر اقتصادی رشد خواهند کرد و وقتی از نظر معیشتی مشکلاتشان کمتر شود، این باعث افزایش بهره‌وری آن‌ها در محیط کسب‌وکارشان خواهد شد و در نتیجه بنگاه‌های اقتصادی از این افزایش بهره‌وری نفع خواهند برد. یا زمانی که افراد یک جامعه به سواد مالی مجهز شوند، سرمایه‌گذاری‌های هدفمند افزایش می‌یابد و مشارکت در بازارهای مالی نیز بهبود می‌یابد و در نتیجه رشد کلان اقتصادی به وجود خواهد آمد.

اهداف دیگری که سیاست‌های ارتقای سواد مالی می‌تواند به آن دست یابد، اهداف سیاسی - اجتماعی است. مؤلفه‌هایی همچون افزایش درک مردم و حمایت‌های آنان از سیاست‌های اقتصادی، مقابله با کلاهبرداری‌های مالی با افزایش آگاهی‌های مالی افراد، کاهش فقر و نابرابری اقتصادی، ایجاد دسترسی برابر به منابع آموزشی مالی، مواردی است که به افزایش عدالت اجتماعی، کاهش جرم‌های مالی، همراه کردن مردم با سیاست‌های کلان اقتصادی و مالی منجر می‌شود.

الزامات سیاستی

مقصود از الزامات سیاستی، بایدهایی است که در چرخه انتقال دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای مالی مورد استفاده قرار خواهد گرفت و جزئی از زنجیره سیاست‌گذاری برای ارتقای سواد مالی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، الزامات سیاستی، چیزهایی است که اگر به آن‌ها توجه نشود و به‌طور دقیق تعریف نشوند، برنامه‌های سیاست‌گذاری برای ارتقای سواد مالی با مشکل مواجه خواهد شد.

با بررسی مضامین پایه، محقق به این نتیجه رسید که چهار دسته الزام برای ارتقای سواد مالی لازم است. این الزامات عبارت‌اند از: الزامات محتوایی، الزامات مخاطب‌شناسی، الزامات متخصص‌پروری و الزامات ارزیابی. به‌عنوان پیشنهاد سیاستی، محتواهایی که در حوزه ارتقای سواد مالی تولید و طراحی می‌شود، باید ویژگی‌هایی داشته باشد که این ویژگی‌ها را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه کرد:

- کاربردی باشد؛
 - متنوع و متناسب با سطح سواد، جنسیت، حرفه و سن افراد مختلف باشد؛
 - با سایر مهارت‌های زندگی پیوند بخورد؛
 - از بهترین و به‌روزترین روش‌های آموزشی بهره‌برد؛
 - در متون آموزشی مقاطع مختلف تحصیلی گنجانده شود؛
 - شامل مؤلفه‌های اصلی سواد مالی که باشد که عبارت‌اند از: مفاهیم بنیادین اقتصادی (به‌خصوص اقتصاد اسلامی)، مدیریت درآمد و هزینه، مدیریت بدهی و اعتبار، سرمایه‌گذاری هوشمند، مسیر شغلی و کار و اشتغال، مدیریت ریسک و بیمه و آشنایی با قوانین و مقررات مالی؛
 - مبتنی بر مبانی اسلامی طراحی شده باشد.
- از سوی دیگر، مخاطبان و گروه‌های هدف برای ارتقای سواد مالی انواع مختلفی دارند که باید به‌صورت دقیق شناخته شوند و سواد مالی متناسب با هر گروه، تدوین و تولید شود. مخاطبان را می‌توان به چند صورت طبقه‌بندی کرد:
- کل جمعیت کشور
 - دانش‌آموزان و محصلان؛
 - خردسالان، نوجوانان و جوانان؛
 - بزرگسالان شاغل، بازنشستگان و سالمندان؛

- مسئولان و مدیران کشور؛
- کارکنان بنگاه‌های کوچک و متوسط؛
- گروه‌های آسیب‌پذیر مانند افراد کم‌درآمد، بیکاران، بدهکاران، مهاجران و زنان.

بر این اساس در دسته الزامات مخاطب‌شناسی باید گروه‌های هدف تعیین و مخاطبان بر اساس اولویت مورد توجه نهاد متولی ارتقای سواد مالی قرار گیرند.

یکی دیگر از الزامات و باید‌های مهم و ضروری در ارتقای سواد مالی، الزامات متخصص‌پروری است. تربیت مربیان و متخصصان سواد مالی باید در سیاست‌های این حوزه وجود داشته باشد؛ زیرا بدون وجود مربیان و متخصصان، هرگونه سیاستی که در حوزه ارتقای سواد مالی بخواهد اجرایی شود، بی‌نتیجه خواهد ماند.

آخرین الزام، الزام ارزیابی است. زمانی می‌توان سطح سواد مالی را ارتقا داد که شناخت درستی از سطح سواد فعلی در دست باشد و به‌طور مداوم بهبود یابد. بدین منظور باید برای تعیین سطح سواد مالی در کشور، نظام ارزیابی طراحی شود و متناسب با مخاطبان هدف، این ارزیابی‌ها به‌طور مستمر انجام گیرد. شاخص‌های ارزیابی را باید نهاد متولی تعیین کند و نهادهای مختلف، از مدارس گرفته تا اداره‌های دولتی و خصوصی با ارزیابی‌های استاندارد، سنجیده شوند.

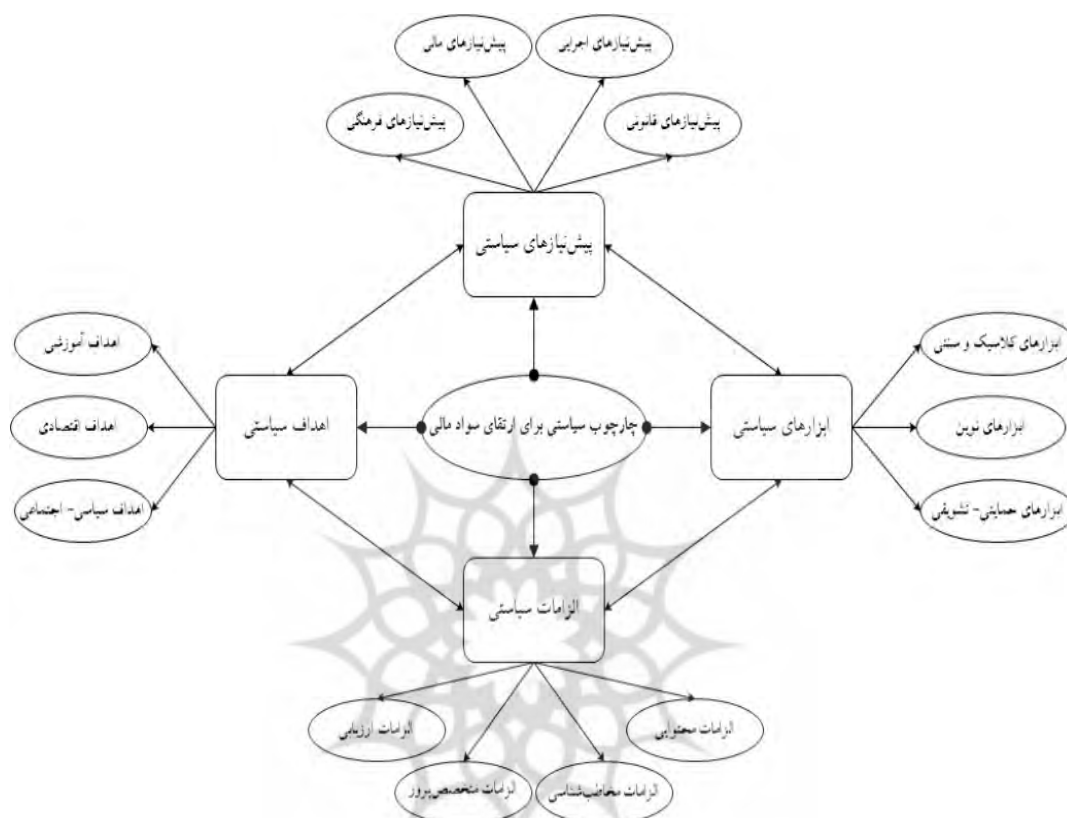
ابزارها

در مرحله آخر با توجه به توسعه‌های فناورانه و بسترهای رایج در دنیا، ابزارهایی که می‌تواند ارتقای سواد مالی را تسهیل کند، در سه دسته طبقه‌بندی می‌شود که عبارت است از: ابزارهای سنتی و کلاسیک، ابزارهای نوین، و ابزارهای حمایتی - تشویقی. یک دسته از ابزارها، از گذشته مورد استفاده امور آموزشی بوده است، مانند: استفاده از کتب علمی و آموزشی و داستانی؛ انتشار محتوای آموزشی در قالب بروشور، کتابچه و... توسط نهادهای مالی؛ برگزاری کلاس‌های آموزشی حضوری؛ برگزاری کلاس‌های آموزشی برای کارکنان دولتی و بخش خصوصی؛ برگزاری مسابقه‌ها و چالش‌های مالی که این ابزارها در دسته سنتی و کلاسیک طبقه‌بندی شد.

دسته دیگر ابزارها، با توسعه اینترنت و فضای مجازی و اختراع فناوری‌های نوین مانند موبایل‌ها، تبلت‌ها، انواع کامپیوترها و هوش مصنوعی، فرصت‌های بیشتری را برای نشر و توسعه سواد مالی فراهم کرده است که در حوزه سیاستی باید به بهترین شکل از این بسترها استفاده کرد و محتواهای سواد مالی را که به ظرافت و دقت در قالب‌های مختلف اعم از فیلم، سریال، تئاتر، پادکست، موشن گرافی، بازی‌های رایانه‌ای و غیررایانه‌ای، برنامه‌های موبایلی و... تولید می‌شود، به مخاطبان هدف خود به‌صورت رایگان یا حتی پولی رساند.

دسته آخر ابزارها، ابزارهایی است که نقش حمایتی - تشویقی دارند. به‌عبارتی با توجه به این ابزارها، امتیازها، تسهیلات، حمایت‌ها و تشویق‌هایی برای توسعه‌دهندگان و اشاعه‌دهندگان سواد مالی، جهت افزایش انگیزه آنان توسط نهادهای مختلف اعطا می‌شود. از سازمان صداوسیما گرفته تا نهادهای متولی فرهنگ کشور، نهادهای آموزشی در بخش دولتی و خصوصی و... همه می‌توانند در این امر مشارکت کنند و بسترهای حمایتی - تشویقی را برای ارتقای سواد مالی در کشور در اختیار افراد جامعه قرار دهند.

بنابراین با توجه به مطالبی که ارائه شد، چارچوب سیاستی برای ارتقای سواد مالی در ایران را می‌توان در قالب نمایی کلی به صورت شکل ۱ نمایش داد.



شکل ۱. چارچوب سیاستی برای ارتقای سواد مالی در ایران

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گفته شد، یکی از ضرورت‌های امروز کشور، ارتقای سواد مالی افراد جامعه است که نهادهای بالادستی را ملزم می‌کند این موضوع را جدی بگیرند و در اولویت و دستور کار قرار دهند. این پژوهش که با بررسی اسناد سیاستی و استراتژی‌های دیگر کشورهای توسعه‌یافته جهان و نیز مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با کارشناسان و نخبگان و با استفاده از تحلیل مضمون کیفی انجام شد، به این نتیجه رسید که می‌توان چارچوب سیاستی‌ای را برای ارتقای سواد مالی در کشور متناسب با زیست بوم ایران اسلامی طراحی کرد.

این پژوهش تلاش کرد تا با استفاده از الگوهای موفق بین‌المللی و اخذ نظرهای نخبگان، مجموعه‌ای از اطلاعات و داده‌های مفید، ولی پراکنده در سیاست‌ها و استراتژی‌های ارتقای سواد مالی را که در پژوهش‌های مشابه به‌طور جامع به آن پرداخته نشده بود با روشی علمی، تجزیه‌تحلیل و چارچوب‌بندی کند و نگاهی کلی و جامع به ارتقای سواد مالی و ابعاد مختلف آن ارائه دهد. طبق یافته‌های این پژوهش، چارچوب سیاستی مناسب برای ارتقای سواد مالی شامل مجموعه‌ای

کاملی از پیش‌نیازها، اهداف، الزامات و ابزارهای سیاستی است. پیشنهاد می‌شود این چارچوب مبنای کار سیاست‌گذاران و کارگزاران نظام قرار گیرد و به شیوه عملیاتی، این مسئله مهم در کشور اجرایی شود.

منابع

- الوانی، سید مهدی. (۱۳۹۳). *تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی*. تهران: سمت.
- برزگر، علی (۱۳۷۱). *نگاهی بر مفهوم سیاست علمی*. رهیافت، ۲(۳)، ۲۷-۳۰.
- پیغامی، عادل؛ مرادی باصیری، امین (۱۳۹۵). *مقدمه‌ای بر سواد مالی؛ الگویی برای مالی شخصی و خانوادگی*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- خواستار، حمزه (۱۳۸۸). *ارائه روشی برای محاسبه پایایی مرحله کدگذاری در مصاحبه‌های پژوهشی*. فصلنامه علمی - پژوهشی *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۵(۵۸)، ۱۶۱-۱۷۴.
- زرنگار، محمدمجتبی (۱۴۰۱). *طراحی چارچوب مفهومی تدوین آموزش سواد مالی در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران.
- سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۱۳۹۸). *آموزش سواد مالی در اروپا: روندها و پیشرفت‌های اخیر*. (محمدرضا سیمپاری، مترجم)، تهران: انتشارات قدیانی.
- سیمپاری، محمدرضا (۱۳۹۹). *مدیریت مالی شخصی: سبک تخصیص منابع مالی شخصی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری*. تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام.
- سیمپاری، محمدرضا و عامری مقدم، احسان (۱۴۰۳). *اصول عالی راهبردهای ملی برای آموزش سواد مالی*. تهران: مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار.
- عاصی، مهرداد؛ چیرانی، ابراهیم و فرحید، فرزین. (۱۳۹۹). *طراحی مدلی جهت تبیین سواد مالی سرمایه‌گذاران خرد بازار سرمایه*. فصلنامه *بورس/اوراق بهادار*، ۱۳(۵۲)، ۲۶۹-۳۰۷.
- کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۲). *مدیریت سیاسی و خط‌مشی دولتی* (ویرایش چهارم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نبی‌پور، مریم (۱۴۰۰). *تبیین ابعاد مختلف ارتقای سواد مالی و چند و چون تحقق آن*. نشریه بورس، ۱۹۷(۵۹)، ۲۸-۴۳.

References

- Alvani, S. M. (2014). *Public Policy Making*. Tehran: SAMT (in Persian)
- Anderson, J. (1984). *Public Policy Making: An Introduction*. Boston: Houghton Mifflin Company.
- Aprea, C., Wuttke, E., Breuer, K., Koh, N. K., Davies, P., Greimel-Fuhrmann, B. & Lopus, J. S. (Eds.). (2016). *International Handbook of Financial Literacy*. Springer.

- Asi, M., Chirani, E. & Farahbod, F. (2020). Designing a Model for Explaining the Financial Literacy of Small Investors in the Capital Market. *Quarterly Journal of the Stock Exchange*, 13(52), 269-307. (in Persian)
- Barzegar, A. (1992). A Look at the Concept of Scientific Policy. *The Journal of Approach*, 2(3), 27-30. (in Persian)
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2).
- Brüggen, E. C., Hogreve, J., Holmlund, M., Kabadayi, S. & Löfgren, M. (2017). Financial well-being: A conceptualization and research agenda. *Journal of Business Research*, 79, 228–237.
- Cooper, C. R. (2021). Financial literacy and financial education policy issues. *Congressional Research Service*. <https://crsreports.congress.gov>
- Everhart, R. (2024). *Financial freedom: Building wealth and security for a brighter future*. QuantumQuill Press.
- Faulkner, A. E. (2015). A Systematic Review of Financial Literacy as a Termed Concept: More Questions than Answers. *Journal of Business & Finance Librarianship*, 20(1-2), 7-26.
- Jump\$tart Coalition for Personal Financial Literacy. (2015). *National standards in K-12 personal finance education* (4th ed.). Jump\$tart Coalition for Personal Financial Literacy.
- Kazemi, S. A. (2003). *Political Management and Public Policy* (Fourth Edition). Tehran: Islamic Culture Publishing Office. (in Persian)
- Khastar, H. (2009). A method for calculating the reliability of the coding phase in research interviews. *Methodology of Social Sciences and Humanities Journal*, 15(58), 161-174. (in Persian)
- King, N. & Horrocks, C. (2010). *Interviews in Qualitative Research*. London.
- Klapper, L., Lusardi, A. & van Oudheusden, P. (2016). Financial Literacy Around the World: Insights from the Standard & Poor's Ratings Services Global Financial Literacy Survey. World Bank. Retrieved from <http://www.FinLit.MHFI.com>.
- Miller, G. J. & Yang, K. (Eds.). (2007). *Handbook of research methods in public administration* (2nd ed.). CRC Press.
- Nabi Pour, M. (2021). Explaining Various Aspects of Financial Literacy Enhancement and its Realization. *Bourse Journal*, 197 (59), 28-43. (in Persian)
- National Endowment for Financial Education (NEFE). (2017). *Your spending, your savings and your future (A Beginner's Guide to Financial Readiness)*. Denver: NEFE.
- Nicolini, G. & Cude, B. J. (2022). *The Routledge handbook of financial literacy*. New York: Routledge.
- OECD. (2013). *Advancing National Strategies for Financial Education*. A Joint Publication by Russia's G20 Presidency and the OECD.

- OECD. (2016). *Financial Education in Europe: Trends and Recent Developments*. OECD Publishing, Paris.
- OECD. (2019). *Financial literacy education in Europe: Trends and recent developments*. (Mohammad Reza Simiyari, Trans.). Tehran: Ghadir Publishing. (in Persian)
- OECD. (2021). *A national financial literacy strategy for Austria*. OECD Publishing. Retrieved from <https://www.oecd.org/daf/fin/financial-education/austria-financial-literacy-strategy.htm>.
- OECD. (2022). *Evaluation of national strategies for financial literacy*. Retrieved from <https://www.oecd.org/financial/education/evaluation-of-national-strategies-for-financial-literacy.htm>.
- OECD. (2023). *National strategy for financial education for Poland*. OECD Publishing. Retrieved from <https://www.oecd.org/finance/financial-education/national-strategy-financial-education-poland.htm>.
- OECD. (2024). *Financial literacy in Germany: Supporting financial resilience and well-being*. OECD Business and Finance Policy Papers.
- OECD. (2024). *National financial literacy strategy for Greece*. OECD Publishing. Retrieved from https://www.oecd.org/en/publications/national-financial-literacy-strategy-for-greece_f30914d7-en.html
- OECD/INFE. (2012). *High-level principles on national strategies for financial education*. OECD Publishing.
- OECD/INFE. (2015). *National Strategies for Financial Education: OECD/INFE Policy Handbook*. OECD Publishing.
- Peighami, A., Moradi Basiri, A. (2016). *An Introduction to Financial Literacy: A Model for Personal and Family Finance*. Tehran: Imam Sadiq University Press. (in Persian)
- Remund, D. L. (2010). Financial literacy explicated: The case for a clearer definition in an increasingly complex economy. *Journal of Consumer Affairs*, 44(2), 276-295.
- Simiari, M. (2020). *Personal financial management: A resource allocation style based on the statements of the Supreme Leader*. Tehran: Imam Hossein Comprehensive University Press.
- Simiyari, M. R. & Ameri Moghaddam, E. (2024). *High principles of national strategies for financial literacy education*. Tehran: The Securities and Exchange Organization. (in Persian)
- Xu, L. & Zia, B. (2012). *Financial Literacy around the World: An Overview of the Evidence with Practical Suggestions for the Way Forward*. USA: The World Bank.
- Zarnegar, M. (2022). *Designing the conceptual framework for extracting the strategy of financial literacy in the education system of the Islamic Republic of Iran* (Master's thesis). Imam Sadiq University, Tehran. (in Persian)